مفهوم سواد در عصر ما

تضمین سطح بالایی از سواد خواندن و نوشتن تبدیل به اولویت بسیاری از دولت ها در سراسر دنیا شده است. ولی آنچه اغلب فراموش می شود این است که بیش از یک نوع سواد وجود دارد و همه آنها در تحصیلات رسمی کسب نمی شوند. در اینجا به انواع سواد اشاره می کنیم.

سواد کشاورزی

این نوع بیسوادی به عدم درک اطلاعات مربوط به کشاورزی گفته می شود. کسانی که به عنوان مزرعه دار کار می کنند این مشکل را ندارند، ولی شهرنشینانی که این جمله را می خوانند: "۹۰ درصد از زمین های کشاورزی به علت خشکسالی از بین رفتند" به علت عدم درک مزرعه داری و کشاورزی، مشکلی جدی حس نمی کنند. افرادی که از لحاظ کشاورزی بیسوادند نمی توانند درک کنند که کشاورزی چقدر مهم است و چقدر همه ما بدان وابسته هستیم.

سواد کامپیوتری

سواد کامپیوتری نوع خاصی از سواد فناوری و تکنولوژیک است. این سواد به توانایی استفاده از کامپیوتر در سطح ابتدائی گفته می شود. اینکه نتوانیم کامپیوتر را روشن کنیم یا استفاده از ماوس یا لوازم دیگر کامپیوتری را ندانیم، نوعی بیسوادی محسوب می شود. افرادی که سواد کامپیوتری ندارند، در واقع در جامعه مدرن امروزی، گویی ناتوان هستند و به تدریج در جامعه دچار مشکل می شوند.

سواد تحلیلی

برای توضیح این نوع سواد برعکس آن را توضیح می دهیم. بیسوادی تحلیلی در مورد کسی نمود می یابد که می تواند متنی را بخواند و معنای کلی آن را درک کند، ولی نمی تواند بطور تحلیلی راجع به آن فکر کند و احتمال قابل اطمینان بودن یا تحریف شدگی آن را تشخیص دهد. افراد زودباور اغلب فاقد سواد تحلیلی هستند. انواع و اقسام رسانه ها اغلب برای واقعی جلوه دادن نظرات خود از بیسوادی تحلیلی سوء استفاده می کنند.

سواد فرهنگی

هرکس به نوعی به یک فرهنگ تعلق دارد. بیسوادی فرهنگی عبارتست از عدم آشنایی با فرهنگ خود. این اغلب زمانی نمود می یابد که ضرب المثل های رایج اشتباه درک می شوند یا ارجاع به فرهنگ عامیانه و فولکلور اصلاً درک نمی شود. همه ما نسبت به فرهنگ های دیگر بیسواد فرهنگی هستیم، افرادی که نسبت به فرهنگ خود هم بیسواد هستند، زمانی که در محیط فرهنگی خودشان قرار می گیرند، احساس ناراحتی و ناآشنایی می کنند.

سواد بوم شناختی

هرچقدر هم خودمان را از دنیای طبیعی دور کنیم، هنوز هم به منابع زمین وابسته ایم. کمک به حفظ منابع زمین به حفظ نحوه زندگی خودمان کمک می کند. بیسوادی بوم شناختی (اکولوژیک) عدم درک این موضوع و اعتقاد به عدم وابستگی به زمین است. افرادی که از لحاظ بوم شناختی بیسوادند، برای تفریح به محیط زیست خود آسیب می زنند و جملاتی اینچنین می گویند: "زمین می تواند ظرفیت انسان های بسیار زیادی داشته باشد" و "کنترل جمعیت ضروری نیست" و بازیافت وقت تلف کردن است".

سواد عاطفی

افرادی که از لحاظ عاطفی بیسوادند نمی توانند به درستی عواطف خود و دیگران را درک کنند. آنها اغلب بخاطر عصبانیت یا استرس رفتارهای غلطی نشان می دهند و نمی توانند رفتارهای تخریبی را درست تشخیص دهند و آنها را متوقف کنند. آنها در تعبیر عواطف دیگران ناتوان هستند و خندیدن یا گریه کردن را تلاش های عمدی برای آزار دادن دیگران می دانند. این افراد نمی توانند احساسات خود را ابراز کنند و در بعضی از موقعیت ها واکنش های عجیب یا نادرست نشان می دهند.

سواد مالی

افرادی که به هنگام صحبت از امور مالی و بودجه احساس گیجی می کنند از درجه ای از بیسوادی مالی رنج می برند. این افراد کسانی هستند که اغلب ولخرجی می کنند و برای مثال پول یک هفته خود را خرج یک بازی ویدئویی می کنند، در حالیکه قبض های آب و برقشان پرداخت نشده اند و برای سختی های آینده پول پس انداز نمی کنند.

سواد کارکردی

برآوردها نشان می دهند که حدود ۲۰ درصد از بزرگسالان از لحاظ کارکردی بیسواد هستند. این یعنی آنها می توانند بخوانند و بشنوند و معنای کلمات را بفهمند، ولی نمی توانند معنای یک جمله را در کل به درستی درک کنند و از این عدم ادراک خود آگاه نیستند.

سواد سلامتی

سواد سلامتی به توانایی درک واقعیت های ابتدائی در مورد سلامتی و بهداشت گفته می شود و افرادی که سواد سلامتی ندارند، نمی توانند تصمیمات درستی در مورد سلامتی خود بگیرند. در کشورهای توسعه یافته حدود ۱۰ درصد از بزرگسالان از لحاظ سلامتی و بهداشت بیسوادند. این افراد علیرغم وجود حجم عظیمی از شواهد و مدارک، ادعاهای مخالف را باور می کنند و در نتیجه تغییرات خطرناکی در نحوه زندگی خود ایجاد می کنند. متأسفانه این بر فرزندان آنها هم تأثیر سوئی می گذارد.

سواد اطلاعاتی

سواد اطلاعاتی، توانایی درک آن است که دانش یا درک خود انسان چه زمانی به مرزهای خود رسیده است. بیسواد اطلاعاتی کسی است که علیرغم آنکه ثابت شده که حرفش نادرست است، ولی به بحث کردن ادامه می دهد یا کسی که وقتی با اتاقی پر از کارشناس درباره موضوعی حرف می زند، با آنکه اطلاعاتی کمی درباره آن موضوع دارد، ولی با بحث کردن از خودش احمقی می سازد. افراد بیسواد اطلاعاتی نمی توانند نقایص ذهنی خود را ببینند. گفته می شود که انسانی که تحصیلات درستی دریافت کرده است از مرزهای دانش خود آگاه است و متأسفانه بیش از ۶۰ درصد بزرگسالان تا حدودی بیسواد اطلاعاتی هستند.

سواد رسانه ای

ما به بسیاری از رسانه ها اتکا می کنیم تا اطلاعات مفیدی درباره دنیای بزرگ به ما بدهند. متأسفانه بسیاری از شرکت های رسانه ای برای افزایش سود خود یا باقی ماندن در این صنعت، موقعیت ها را حساس می کنند تا مخاطب بیشتری جذب کنند. در نتیجه، بیشتر آنچه می شنویم کمی تحریف شده است. بیسوادی رسانه ای که نوع خاصی از سواد تحلیلی است باعث می شود که مردم همه آنچه در رسانه ها می شوند را واقعیت تعبیر کنند. جملاتی همچون "تو تلویزیون دیدم، حتماً درسته!" یا "اخبار هیچ وقت دروغ نمیگه!" نشانه هایی از بیسوادی رسانه ای هستند.

سواد سلامتی روانی

بیسوادی سلامتی روانی نوعی از بیسوادی سلامتی است. این نوع بیسوادی یک ناآگاهی یا سوءتفاهم درباره اختلال های روانی است و باعث می شود که شناسایی یا درمان مشکلات دشوار شود. برای مثال شوهری که صحبت از خودکشی همسرش را بی معنا تعبیر می کند یا مادری که فکر می کند اختلال خوراکی پسرش صرفاً فازی گذراست. تصویرسازی غلط و منفی رسانه ها از اختلال های روانی و عدم مراقبت روانپزشکی باعث شیوع این بیسوادی شده است.

سواد عددی

بگذارید بیسوادی عددی را شرح دهیم. بیسوادی عددی یا بیسوادی در حساب ابتدائی، نداشتن مهارت های ابتدائی در حساب برای زندگی روزمره است. عملیات های ساده ای همچون محاسبه ۵۰ درصد تخفیف قیمت، برای افراد بیسواد عددی بسیار دشوار است. با آنکه این بیسوادی خیلی نادر است، ولی بیش از نیمی از بزرگسالان از انواع ملایمی از بیسوادی عددی رنج می برند.

سواد نژادی

سواد نژادی به توانایی درک مسائل مربوط به نژاد و نژادپرستی گفته می شود. دانشجویی که ادعا می کند استادش عمداً او را به خاطر سیاه بودن مردود کرده است از بیسوادی نژادی رنج می برد. افرادی که باورهای غلطی درباره نژادها دارند هم از بیسوادی نژادی رنج می برند. دیدگاه های کلیشه ای آسیب رسان همچون "همه آسیایی ها باهوشند" یا "همه سفیدپوستان ثروتمندند" نمونه هایی از پیش داوری و جهل و بیش از همه بیسوادی نژادی هستند.

سواد خواندن و نوشتن

این همان چیزی است که وقتی مردم کلمه "سواد" را می شنوند به آن فکر می کنند. این نوع سواد توانایی درک یا تولید اطلاعات کتبی است. درجات مختلفی از سواد وجود دارد، مانند درک حروف به تنهایی، نه کل کلمات، درک چند کلمه ولی نه کل جمله و یا عدم درک هیچ حرف یا کلمه ای. از طریق تحصیلات و آموزش همگانی، بیسوادی جهانی در ۵۰ سال گذشته به نصف رسیده است. این یعنی افرادی که در فقیرترین کشورها زندگی می کنند از زندگی بهتری بهره مندند زیرا می توانند نوشته های داروها را بخوانند یا از نوشیدن آبهایی که "سمی" نشانه گذاری شده اند، خودداری کنند.

سواد علمی

علم چهارچوبی است که از همه حقایقی که بر بشر آشکار شده تشکیل شده است. علم خود-تصحیح است و منتهی درجه دانش در هر نقطه ای از زمان را منعکس می کند. متأسفانه ۷۵ درصد از بزرگسالان از لحاظ علمی بیسوادند. این افراد جملاتی اینچنین می گویند "افرادی که اتومبیل های گران می رانند بیشتر عمر می کنند، پس اگر اتومبیل خوبی بخرم بیشتر عمر می کنم".

سواد آماری

افرادی که از لحاظ آماری بیسوادند حس می کنند اگر اعداد یا داده ها از ایده خاصی حمایت کنند، آنگاه آن ایده ارزش دارد. این نوع بیسوادی بسیار به بیسوادی عددی و تحلیلی نزدیک است و بیسوادهای آماری برای مثال معنای جمله "۱۰ درصد از مردم به بادام زمینی حساسیت دارند" و "۹۰ درصد از مردم به بادام زمینی حساسیت ندارند" را بطور متفاوتی تعبیر می کنند، در حالیکه هر دوی اینها یک چیز را بیان می کنند. باور اینکه قماربازی در بلندمدت از لحاظ مالی سودبخش است، متأسفانه برای بیسوادهای آماری رایج است.

سواد فناوری

فردی که از لحاظ فناوری بیسواد است نمی تواند استفاده از فناوری های جدید را یاد بگیرد. یادگیری چیزهای جدید به خصوص به عنوان یک بزرگسال شاید آهسته صورت پذیرد، ولی این افراد در مواجعه

با اشیای نسبتاً ساده ای همچون دوربین دوچشمی احساس گیجی می کنند، حتی در صورتی که با صبر فراوان صدبار نحوه استفاده از آن برایشان توضیح داده شود. عدم درک یک فناوری به علت کمبود تماس با آن، نرمال است، ولی وقتی با آن در تماس هستید و چند بار استفاده از آن برایتان توضیح داده می شود، اگر آن را درک نکنید بیسواد هستید. این افراد در جوامع مدرن دچار دردسر های زیادی می شوند.

سواد ترانس

یک فرد بیسواد ترانس نمی تواند اطلاعات را از یک نوع رسانه به نوع دیگری منتقل کند. برای مثال، شاید بتواند تصویری را درک کند، ولی در توصیف آن به صورت کتبی دچار مشکل می شود. بیسوادان ترانس نمی توانند از اطلاعاتی که از منابع مختلف در زندگی روزمره بدست می آورند استفاده کنند. در جامعه ای که دائماً در حال تغذیه شدن از سوی انواع و اقسام منابع هستیم، توانایی بکار بردن آنچه می دانیم، مفیدتر و مفیدتر می شود.

سواد دیداری

سواد دیداری عبارتست از توانایی درک یا پردازش اطلاعات به صورت دیداری. افرادی که سواد دیداری ندارند در خواندن نمودارها و داده های گرافیکی مشکل دارند. نوع خاصی از صدمه مغزی منجر به ناتوانی مادرزادی در درک و شناسایی چهره ها یا بینایی می شود. نوعی از بیسوادی دیداری که همه گاهی تجربه می کنند در کودکان دیده می شود. آنها فکر می کنند وقتی بیسکویت را به دو نیم می کنند بیسکویت بیشتری دارند. یا مثلاً چهار حبه انگور در کنار هم، نشان دهند انگور بیشتری است تا وقتیکه این چهار دانه جدا جدا باشند.